

زنای در پروین اعتصامی

مریم خادم از غدی*

اشاره

پس از چاپ اشعار پروین در مجله ادبی «بهار» از حدود ۱۶ سالگی شایعه‌ای در مورد جنسیت او مطرح شد و بسیاری از منتقدان، سراینده اشعار او را «مرد» پنداشتند. پروین در قطعه‌ای از خود دفاع کرد؛ اما این برداشت در مورد شعر پروین تا زمان ما نیز ادامه دارد. در این مقاله در مورد علل «مردانه» دانستن شعر پروین که عبارت‌اند از: خردگرایی، موعظه‌گری و استواری کلام در قصاید و نیز شرایط زمان، علو مقام ادبی پروین، عدم استفاده شخصی از عناصر زنانه و عشق نسبت به حقیقت سخن رفته است. همچنین مایه‌های زنانه در شعر پروین مورد بررسی قرار

گرفته و مواردی همچون بیان مادرانه، توصیف کودکان و پیرزنان و بیوه‌زنان فقیر، استفاده از محسوسات زنانه، نکته‌سنجی، دفاع از حقوق زن و ذکر وظایف زن نسبت به همسر در قطعات، مثنویات و مناظرات به عنوان نشانه‌های زنانگی در کلام پروین دانسته شده و از هر مورد نیز شاهد مثالی از دیوان او ذکر گردیده است. در نهایت نیز این‌طور نتیجه‌گیری شده که «مردانه بودن» را فقط در مورد ظاهر قصاید پروین می‌توان مطرح کرد و تعمیم دادن این ویژگی به تمام اشعار او قضاوت صحیحی به نظر نمی‌رسد.

پروین اعتصامی در ۲۵ اسفندماه ۱۲۸۵ در تبریز به دنیا آمد. پدرش یوسف اعتصام‌الملک آشتیانی، مترجم و روزنامه‌نگاری روشن‌فکر بود که به سبب انتخاب شدن به‌عنوان نماینده دوره دوم مجلس شورای ملی، در ۶ سالگی پروین به همراه خانواده از تبریز به تهران مهاجرت کرد. از این پس پروین در مجالس ادبی که با حضور ملک‌الشعراى بهار، دهخدا، نصرالله تقوی، اقبال آشتیانی و سعید نفیسی در خانه پدر تشکیل می‌شد شرکت می‌نمود. از ۱۴ سالگی قطعات پروین در مجله ادبی «بهار» چاپ شد. انتشار این اشعار قوی سبب شایعه‌ای در مورد جنسیت پروین شد و همه سراینده این اشعار را «مرد» پنداشتند. پروین نیز در آخرین شماره سال دوم مجله بهار در قطعه‌ای به تکذیب این شایعه پرداخت:

از غبار فکر باطل، پاک باید داشت دل
تا بداند دیو کاین آینه جای گرد نیست
مرد پندارید پروین را چو برخی ز اهل فضل
این معما گفته نیکوتر که پروین مرد نیست

انتشار این اشعار قوی، تحسین و تمجید ملک‌الشعرای بهار، محمد قزوینی، دهخدا، لطف‌علی صورتگر و سعید نفیسی را برانگیخت. اما در مقابل از سوی «اتحادیه کشاورزان و ترقی‌خواهان» اعتراض‌های بسیاری نسبت به ملک‌الشعرای بهار، نویسنده دیباچه دیوان پروین شد مبنی بر اینکه چرا از روی ناآگاهی، اشعار شاعری متصوف را به پروین نسبت داده است. پس از آن عبدالحسین آیتی، اشعار پروین را سروده‌های رونق‌علی‌شاه دانست و فضل‌الله گرکانی نیز این اشعار را سروده‌های دهخدا تلقی کرد.

نظر برخی منتقدان معاصر همچون حبیب یغمایی، عبدالحسین زرین‌کوب و فرشته داوران در مورد پروین این است که سروده‌های پروین بر زبان و بینش مردانه او دلالت می‌کنند و او نتوانسته هویت جنسی خویش را به اثبات برساند. قضاوت فرخ تمیمی در این مورد از دیگران تندتر است؛ زیرا او عقیده دارد که پروین هیچ حس مادرانه و یا هویت زنانه‌ای را به خواننده یا شنونده اشعارش منتقل نمی‌کند.

علل مردانه دانستن شعر پروین

دلایل مردانه دانستن اشعار پروین را از چند زاویه می‌توان مورد بررسی قرار داد از جمله واژگان، مفاهیم، معانی و موضوعات شعری در دیوان او.

اگر در مورد قصاید پروین که کمتر از یک سوم دیوان او را تشکیل می‌دهد حکم به «مردانه بودن» کنیم، نمی‌توان چنین قضاوتی را کاملاً نادرست تلقی کرد زیرا:

۱. پندآموزی و موعظه‌گری که ویژه زبان مردسالارانه است در قصاید پروین بسیار پررنگ است.

۲. در اشعار پروین اعتصامی بیش از آنچه از یک زن انتظار می‌رود «خردگرایی و اتکا به تفکر و تعقل» به چشم می‌خورد. پروین همچون اندیشمندی توانا در مورد انسان و ابعاد گوناگون زندگی او و مسائل اخلاقی و اجتماعی می‌اندیشد و حاصل تفکرات خود را با زبان قلم بیان می‌کند. بی‌دلیل نیست که دیوان اشعار خود را به عنوان «هدیه فکر و شعر» به پدر بزرگوارش تقدیم می‌کند. این ویژگی سبب تشخیص شعر پروین شده و او را از زنان شاعر دیگر متمایز ساخته است.

۳. استواری و روانی کلام پروین که البته بیشتر در قصایدش به چشم می‌خورد معلول دو علت است:

«الف) پرهیزگاری، پاک‌دامنی و ایمان محکم او به خالق و عظمت خلقت

(ب) توجه پروین به حقایق کلی و جاودانگی هستی»**

در ذیل چند بیتي از یکی از قصاید دیوان پروین که این سه ویژگی در آن بسیار آشکار است ذکر می‌گردد:

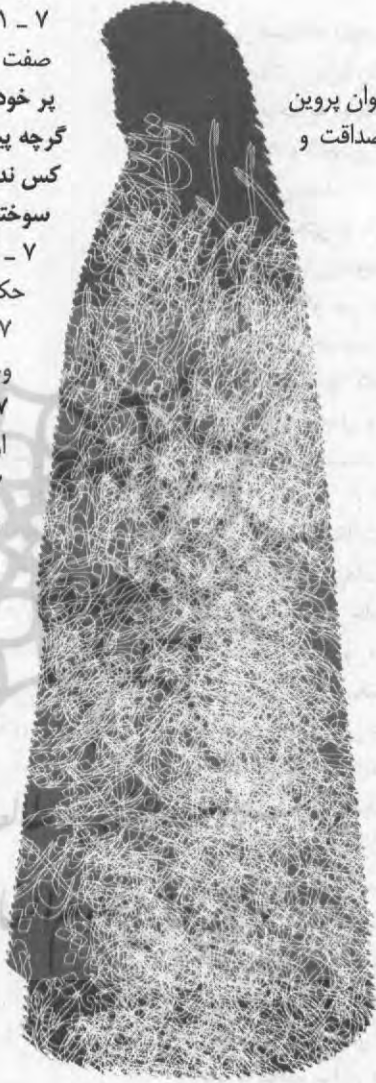
گویند عارفان، هنر و علم کیمیاست
و آن مس که گشت همسر این کیمیا، طلاست
فرخنده طایری که بدین بال و پر پرد
همدوش مرغ دولت و هم‌عرصه هماست
وقت گذشته را نتوانی خرید باز
مفروش خیره کاین گهر پاک، بی‌بهاست
تو مردمی و دولت مردم فضیلت است
تنها وظیفه تو همی نیست خواب و خاست
زان راه بازگرد که از رهروان تهی است
زان آدمی بترس که با دیو آشناست
خوش‌تر شوی به فضل ز لعلی که در زمی‌ست
برتر پری به علم ز مرغی که در هواست
جان را بلند دار که این است برتری
پستی نه از زمین و بلندی نه از سماست

۴. شرایط روزگار پروین ایجاب می‌کرد که شاعر تنها بیانگر زیبایی‌ها و افکار لطیف و باریک خویش نباشد. پروین، اعتراض به ظلم‌ها و بیدادگری‌ها را در شعر خویش با زبانی تند و کوبنده نشان می‌دهد و چون مردی مبارز خواهان حق و عدالت می‌شود. پس در این مواقع ناچار است روح لطیف و بیان زنانه خود را کنار بگذارد و مردانه سخن گوید تا کلامش مؤثر واقع شود.

۵. بسیاری از منتقدان نتوانسته‌اند رقابت «زنی» را در میدان سخنوری با بزرگ‌مردان شاعر باور کنند و همین مسئله باعث شده که کلام پروین را سروده‌های یک شاعر «مرد» بدانند. غافل از اینکه این قصاید اگرچه گاه از لحاظ ظاهر و ساختار مردانه است؛ اما وقتی در آن عمیق می‌شویم و با دید روان‌شناسانه به آن می‌نگریم به این نتیجه می‌رسیم که این اشعار فقط می‌تواند سروده‌های یک «زن» باشد.

۶. پروین اعتصامی از عناصر زنانه که وجودشان تنها با وجود زن معنا می‌گیرد استفاده شخصی نمی‌کند؛ یعنی آن‌ها را در توصیف زیبایی خود یا زبان دیگر به کار نمی‌برد. زیرا برخلاف بسیاری از زنان به جای توجه افراطی به آراستگی ظاهر، تمام ذهن خویش را متوجه کار شعر کرده و چون این‌گونه سخن گفتن برخلاف تصور مردان از بیان زنان است، شعر پروین مردانه تلقی می‌شود. مثلاً ژاله قائم‌مقامی، مادر مرحوم پژمان بختیاری، در شعر خویش از «آینه» که عنصری زنانه محسوب می‌شود، استفاده شخصی می‌کند و از آن می‌خواهد که ژاله را زیباتر از آنچه هست به او جلوه دهد:

ای آینه ما را ز غم آزاد توان کرد
یک ره به دروغی دل ما شاد توان کرد
ویران نشود قصر دل‌انگیز حقیقت



ما را به دروغی اگر آباد توان کرد
 ای همدم دیرین من! ای قاضی بی‌رحم
 با داد ندانی که چه بیداد توان کرد
 اما همین عنصر «آینه» در قطعه «آیین آینه» در دیوان پروین
 اعتصامی در خدمت بیان یک مسئله اخلاقی (صداقت و
 یک‌رنگی) قرار می‌گیرد:
 وقت سحر به آینه‌ای گفت شانهای
 کاوخ فلک چه کج‌رو و گیتی چه تندخوست
 ما را زمانه رنج‌کش و تیره‌روز کرد
 خرم کسی که همچو توائش طالعی نکوست
 هرگز تو بار زحمت مردم نمی‌کشی
 ما شانہ می‌کشیم به هر جا که تار موست
 با آنکه ما جفای بتان بیشتر بریم
 مشتاق روی توست هر آن کس که خوب‌روست
 گفتا: هر آن که عیب کسی در قفا شمرد
 هر چند دل فریبد و رو خوش کند عدوست
 در پیش روی خلق به ما جا دهند از آنک
 ما را هر آنچه از بد و نیک است روبه‌روست
 چون شانہ، عیب خلق مکن موبه‌مو عیان
 در پشت سر نهند کسی را که عیب‌جوست
 پروین! نشان دوست، درستی و راستی است
 هرگز نیازموده کسی را مدار دوست
 ۷. عشق به معنای معمول آن که زمینی و
 مبتذل و مادی است به هیچ‌وجه در کلام
 پروین اعتصامی یافت نمی‌شود و این مسئله،
 هم برخلاف انتظار مردان از زنان است و هم با
 سابقه زنان شاعر که پیش از پروین، هم‌زمان
 با او و پس از او همواره سخن از عشق مادی
 گفته‌اند مغایرت دارد. مثلاً یکی از دلایلی که
 باعث می‌شود شعر فروغ فرخزاد، زنانه دانسته
 شود و شعر پروین، مردانه، همین نکته است؛ زیرا فروغ از عشق زمینی
 و مادی سخن می‌گوید ولی همان‌طور که ذکر شد چنین عشقی در
 دیوان پروین نیست.
 عشق پروین وابسته به حقایق و معنویات است و با همه عظمت و
 پاکی در میان کلمات و اشارات او جلوه‌گر می‌شود. بهار در دیباچه
 دیوان پروین، علت خالی بودن دیوان او را از عشق مادی در قالب دو
 نکته مطرح می‌کند؛ الف) عزت نفس و عصمت و عفاف پروین. ب)
 حقیقت‌گویی شاعر. البته دیگران علل مثبت یا منفی دیگری را نیز برای

این مسئله مطرح کرده‌اند از جمله اینکه:
 ۷ - ۱. پروین توجه به خویش و از خود سخن گفتن را
 صفت مردم کوتاه‌نظر می‌داند و عقیده دارد:
 پر خود سوختم و دم نزنم
 گرچه پیرایه پروانه، پر است
 کس ندانست که من می‌سوزم
 سوختم، هیچ نگفتن هنر است***
 ۷ - ۲. برخی علت را در احترام گذاشتن به پدر که در
 حکم استاد پروین بوده است جست‌وجو می‌کنند.
 ۷ - ۳. گروهی عقیده دارند که پروین از عشق
 وحشت داشته است.
 ۷ - ۴. عده‌ای بر این باورند که عمر کوتاه پروین به
 او مجال تجربه عشق مادی را نداده است.
 ۷ - ۵. بعضی نیز می‌گویند که محیط بسته و نبود
 شرایط مساعد اجتماعی باعث می‌شده که از عشق
 سخن گفتن، یک گناه محسوب شود و به همین
 دلیل است که پروین از این‌گونه عشق سخن به
 میان نیاورده است.
 اما حقیقت آن است که عشق در دیوان پروین به
 معنای «انسان‌دوستی» است و «مهرورزی نسبت
 به تمام انسان‌ها» بدون توجه به زمان یا مکانی
 خاص. پروین، عشق را در نظر خویش به بهترین
 شکلی توصیف می‌کند:
 کتاب عشق را جز یک ورق نیست
 در آن هم نکته‌ای جز نام حق نیست

مایه‌های زنانه در شعر پروین

پروین در قطعات، مثنویات و مناظراتش بسیار
 صمیمی‌تر و بی‌ریاتر از احساسات زنانه خود
 سخن می‌گوید و با دنیای مادی اطراف خویش،
 ارتباط نزدیکی برقرار می‌سازد. هرچیز بی‌جان در شعر او جان می‌گیرد
 و خواننده به آن احساس نزدیک می‌کند. مایه‌های زنانه در کلام پروین
 عبارت‌اند از:
 ۱. هشت شعر از دیوان پروین به‌طور کامل اختصاص به توصیف
 کودکان یتیم و بدبختی‌های آنان دارد. در دیوان هیچ شاعر مردی این
 اندازه توجه به کودکان دیده نمی‌شود. در ذیل چند بیت از قطعه «قلب
 مجروح» از دیوان پروین ذکر می‌گردد:
 دی کودکی به دامن مادر گریست زار





کز کودکان کوی، به من کس نظر نداشت
طفلی مرا ز پهلوی خود بی گناه راند
آن تیر طعنه، زخم کم از نیشتر نداشت
اطفال را به صحبت من از چه میل نیست
کودک مگر نبود کسی کاو پدر نداشت
هرگز درون مطبخ ما هیزمی نسوخت
وین شمع، روشنایی از این بیشتر نداشت
بر وصله‌های پیره‌نم خنده می‌کند
دینار و درهمی پدر من مگر نداشت؟
طفل فقیر را هوس و آرزو خطاست
شاخی که از تگرگ نگون گشت، بر نداشت

۲. پروین اگرچه هیچ‌گاه مادر نشد، اما در قطعاتش کاملاً مادرانه سخن می‌گوید. حس مادرانه در نهاد همه دختران وجود دارد. وقتی دختر بچه‌ای عروسک خود را همچون مادری در آغوش می‌گیرد، بر او لباس می‌پوشاند و نسبت به او دلسوزی می‌کند، هیچ‌گاه مادری را تجربه نکرده؛ اما این حس و حال را کاملاً درک می‌کند. پروین هم دقیقاً همین حالت را دارد. نمونه آن قطعه «حدیث مهر» است که در آن به زیبایی تمام، لذت مادر شدن را از زبان کبوتری برای گنجشکی بازگو می‌کند؛ به‌گونه‌ای که گویی خود، بارها مادری را تجربه کرده است:

گنجشک خرد گفت سحر با کبوتری
کآخر تو هم برون کن از این آشیان، سری
آفاق، روشن است چه خسبی به تیرگی؟
روزی بپر، ببین چمن و جویی و جری
بنگر من از خوشی، چه نکوروی و فربه‌م
تنگ است چون تو مرغک مسکین لاغری
گفتا حدیث مهر بیاموزدت جهان
روزی تو هم شوی چو من ای دوست، مادری
گرد تو چون که پر شود از کودکان خرد
جز کار مادران نکنی کار دیگری
روزی که رسم و راه پرستاریم نبود
می‌دوختم بسان تو، چشمی به منظری
خوشبخت، طایری که نگهبان مرغکی است
سرسبز، شاخکی که بچینند از آن بری
شیرین نشد چو زحمت مادر، وظیفه‌ای
فرخنده‌تر ندیدم از این، هیچ دفتری

در شعر فروغ فرخزاد از واژه‌های احساسی عاطفی خاص جنس زن

بسیار استفاده شده است؛ اما در شعر پروین واژه‌هایی که بیان‌کننده احساسات مادرانه زنانه هستند خود را بیشتر نمایان می‌سازند و محققان، بدون توجه به اینکه احساسات مادرانه هم بُعدی از ابعاد وجودی یک زن است و زنانگی او را به تصویر می‌کشد، حکم به مردانه بودن شعر پروین می‌دهند.

۳. نکته‌سنجی و باریک‌بینی از ویژگی‌های زنان است. پروین نیز به طبع زن بودن خویش در ورای هر چیز، نکته‌ای می‌بیند و آن را به نیکویی بازگو می‌کند. به‌عنوان مثال وقتی قطعه «تیره‌بخت» را در دیوان او می‌خوانیم، تفاوت نگرش و بیان پروین را به‌عنوان یک زن با یک مرد سخنور کاملاً درک می‌کنیم. سخنوران مرد هر چقدر هم که باریک‌بین، نرم‌دل و دلسوز باشند، نمی‌توانند به شیوه پروین، بی‌مه‌ری نامادری‌ای را نسبت به دختری بیچاره بازگو کنند.

در زیر چند بیتی از قطعه «تیره‌بخت» ذکر می‌گردد:

دختری خرد شکایت سر کرد

که مرا حادثه بی‌مادر کرد

دیگری آمد و در خانه نشست

صحبت از رسم و ره دیگر کرد

دختر خویش به مکتب بسپرد

نام من کودن و بی‌مشعر کرد

اشک خونین مرا دید و همی

خنده‌ها با پسر و دختر کرد

نزد من دختر خود را بوسید

بوسه‌اش کار دو صد خنجر کرد

عیب من گفت همی نزد پدر

عیب‌جوییش مرا مضطر کرد

شب به جاروب و رفویم بگماشت

روزم آواره‌یام و در کرد

مادرم مُرد و مرا در یم دهر

چو یکی کشتی بی‌لنگر کرد

مادرم بال و پرم بود و شکست

مرغ، پرواز به بال و پر کرد

۴. بیش از هفتاد بیت در دیوان پروین اعتصامی اختصاص به توصیف پیرزنان فقیر و بیوه‌زنان محروم دارد. هیچ‌کدام از شاعران مرد به اندازه پروین به این موضوع نپرداخته‌اند. زیرا او از دیدن فقر و بیچارگی پیرزن به خاطر احساسات لطیف زنانه‌اش بیش از مردان متأثر می‌شود. نمونه آن قطعه «اندوه فقر» است در دیوان پروین:

با دوک خویش پیرزنی گفت وقت کار

کاوخ! ز پنبه ریشتنم موی شد سپید
 از بس که بر تو خم شدم و چشم دوختم
 کم نور گشت دیده ام و قامت خمید
 جز من که دستم از همه چیز جهان تهی است
 هر کس که بود برگ زمستان خود خرید
 از رنج پاره دوختن و زحمت رفو
 خونابه دلم ز سرانگشتها چکید
 من بس گرسنه خفتم و شبها مشام من
 بوی طعام خانه همسایگان شنیدم...

۵. وقتی که در مورد چگونگی رفتار زن در مقابل همسرش سخن می‌گوید مثلاً در قطعه «فرشته انس»:

توان و توش ره مرد چیست؟ یاری زن
 حطام و ثروت زن چیست؟ مهر فرزندان
 زن نکوی، نه بانوی خانه تنها بود
 طیب بود و پرستار و شحنه و دربان
 به روزگار سلامت، رفیق و یار شفیع
 به روز سانحه، تیمار خوار و پشتیبان
 ز بیش و کم، زن دانا نکرد روی ترش
 به حرف زشت نیالود نیک‌مرد دهان

۶. وقتی از حقوق زنان دفاع می‌کند و خواستار استقلال شخصیت زن در جامعه می‌شود:

زن در ایران پیش از این گویی که ایرانی نبود
 پیشه‌اش جز تیره‌روزی و پریشانی نبود
 زندگی و مرگش اندر کنج عزلت می‌گذشت
 زن چه بود آن روزها گر زن که زندانی نبود؟
 کس چو زن اندر سیاهی، قرن‌ها منزل نکرد
 کس چو زن در معبد سالوس قربانی نبود
 در عدالت‌خانه انصاف، زن شاهد نداشت
 در دبستان فضیلت، زن دبستانی نبود
 دادخواهی‌های زن می‌ماند عمری بی‌جواب
 آشکارا بود این بیداد، پنهانی نبود

۷. استفاده بسیار پروین اعتصامی از محسوسات زنانه که اجازه ورود به ساحت شعر را نداشتند به شعر او به‌عنوان یک شاعر زن تشخیص بخشیده و این هنجارشکنی سبب ایجاد نوعی نوآوری گشته است.

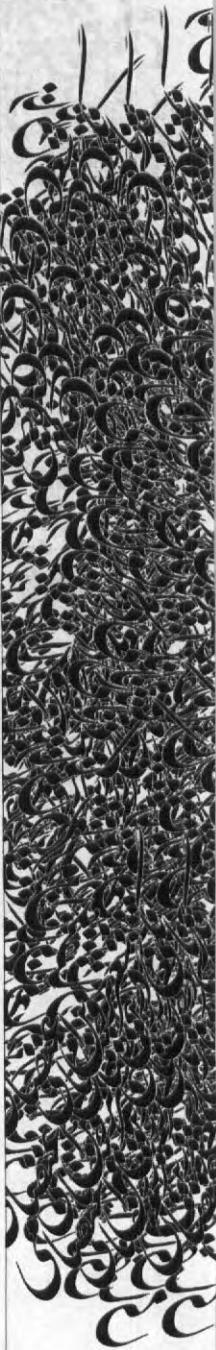
پروین برای بیان مفاهیم اخلاقی یا مسائل اجتماعی مورد نظر خویش، مناظراتی را میان محسوسات زنانه‌ای همچون نخود و لوبیا، سیر و پیاز، دیگ و تاوه، عدس و ماش، سوزن و نخ و... برقرار می‌کند. در اینجا نیز،

این نکته‌بینی و جزئی‌نگری زنانه است که سبب می‌شود محسوساتی که در طول شبانه‌روز، همه کس از کنارشان با بی‌توجهی عبور می‌کنند، در نظر پروین حرف‌های زیادی برای گفتن داشته باشند.

فرخ تمیمی به کاربرد این‌گونه محسوسات در شعر، به دیده تمسخر می‌نگرد و قدرت القای این محسوسات را در شعر به اندازه حضورشان در یک دستور آشنیزی می‌داند؛ اما این فقط ظاهر اشعار و مناظرات پروین است؛ زیرا به قول مرحوم ملک‌الشعراى بهار در دیباچه دیوان پروین، هنر پروین آنجاست که از زبان همه‌چیز سخن می‌گوید. او با استعداد نادر و ذهن آزاد، زاینده و پرورده خود توانسته معانی بلند مورد نظر خویش را با ملموس‌ترین و نزدیک‌ترین اشیاء اطراف بازگو کند. مثلاً لزوم نظر داشتن به عیب خویش و نیز زشتی تکبر را در قطعه «سیه‌روی» که مناظره‌ای میان دیگ و تاوه است این‌گونه توصیف می‌کند:

به کنج مطبخ تاریک، تابه گفت به دیگ
 که از ملال نمردی، چه خیره‌سر بودی
 ز دوده پشت تو مانند قبر گشته سیاه
 ز عیب خویش، تو مسکین چه بی‌خبر بودی
 همی به تیرگی خود فزودی از پستی
 سیاه‌روز و سیه‌کار و بدگهر بودی
 تمام عمر در این کارگاه زحمت و رنج
 نشسته بودی و بی‌مزد کارگر بودی
 دمی ز آتش و آبت، ستم رسید و بلا
 دمی ندیم دم و دود و خشک و تر بودی
 ندید چشم تو رنگی دگر به‌جز سیاهی
 رواست گر که بگویم بی‌بصر بودی
 جواب داد که ما هر دو درخور ستمیم
 تو نیز همچون من ای دوست بی‌هنر بودی
 جفای آتش و هیزم، نه بهر من تنه‌است
 تو نیز لایق خاکستر و شرر بودی
 مگر به یاد نداری که دوش وقت سحر
 میان شعله جان‌سوز تا کمر بودی؟
 نظر به عجب در آلودگان نمی‌کردی
 به دامن سیه خود، گرت نظر بودی

استفاده پروین از این محسوسات همچون عناصر زنانه، استفاده‌ای غیرشخصی است. درحالی‌که پیش از پروین، ژاله قائم‌مقامی وقتی در شعر خود «سماور» را که از محسوسات زنانه است می‌آورد از آن استفاده شخصی می‌کند:



ای همدم مهرپرور من
ای یار من ای سماور من
در زمزمه تو شد می آلود
اجزای لطیف ساغر من
سوزی عجبت گرفته گویی
در سینه توست آذر من
در دیده، سرشک و در دل، آتش
مانا تو منی برابر من...

در مقابل فروغ فرخزاد که به میزان زیادی از «عناصر زنانه» استفاده می کند، در دیوان پروین «محسوسات زنانه» از بسامد بالایی برخوردارند؛ زیرا پروین به دلیل کمرویی از واژه‌هایی که ظاهر زن را توصیف کند همچون گوشواره، خلخال، شانه، دامن، نقاب، گل‌بند و... به میزان کمتری استفاده می کند و چون عناصر زنانه بیش از محسوسات زنانه، تجلی گر زنانگی هستند منتقدان هم با یک نگرش افراطی، شعر فروغ را «زنانه» و شعر پروین را «مردانه» قلمداد کرده‌اند.

نتیجه‌گیری

پروین اعتصامی، بانوی شریفی است که در شعر هدفی به جز اصلاحات اخلاقی و اجتماعی ندارد و همواره با هم‌نوعان خویش همدردی می کند:

دل برای مهربانی پروراندن لاجرم
جان به تن تنها برای جان‌فشانی داشتن
ناتوانی را به لطفی، خاطر آوردن به دست
یاد عجز روزگار ناتوانی داشتن

بنابراین حکم به «مردانه بودن» زبان، بیان و نگرش پروین اعتصامی تنها در مورد کمتر از یک سوم دیوان او یعنی قصایدش، آن هم فقط در پوسته ظاهر، می‌تواند صحیح باشد و تعمیم دادن این حکم به بیش از دو سوم باقی‌مانده دیوان پروین (قطعات، مثنویات و مناظرات) به هیچ‌وجه منطقی به نظر نمی‌رسد.

پروین اعتصامی اگر هم «مرد» تلقی شود، باید این مردانگی را در میدان فصاحت و بلاغت سخن او مطرح نمود نه در مورد کاربرد زبان، بیان، موضوع، مفاهیم و معانی شعری او.

فهرست منابع و مآخذ

۱. دیوان پروین اعتصامی، بر اساس طبع ابوالفتح اعتصامی و به کوشش ولی‌الله درویدیان، نشر نی، تهران، ۱۳۷۵.
۲. رحیم چاووش اکبری، زندگی و شعر پروین اعتصامی حکیم بانوی شعر، ثالث، تهران، ۱۳۷۸.
۳. ناصر حریری، هنر و ادبیات امروز، کتابسرا، بابل، ۱۳۶۷.
۴. محسن ذوالفقاری، خلاصه مقالات کنگره بزرگداشت یکصدمین سال تولد شاعره متعهد پروین اعتصامی، دانشگاه اراک، اراک، ۱۳۸۵.
۵. عبدالحسین زرین کوب، شعر بی‌دروغ شعر بی‌نقاب، جاویدان، تهران، ۱۳۵۵.
۶. فرامرز سلیمانی، بارورتر از بهار، دنیای مادر، تهران، ۱۳۶۹.
۷. روح‌انگیز کراچی، پروین اعتصامی همراه کتابشناسی توصیفی، داستان سرا، شیراز، ۱۳۸۳.
۸. منوچهر آتشی، «پروین اعتصامی نمونه درخشان یک زن مسلمان و هنرمند متعهد»، سروش، س ۲، ش ۶۵ ص ۳۶ - ۳۷ و ش ۶۷ ص ۳۸ - ۳۹، شنبه ۸ شهریور ۱۳۵۹.
۹. بدر تقی‌زاده انصاری، «پروین شاعره درداشتنا و فروغ جاویدان ادب فارسی»، اطلاعات، ش ۱۹۵۹۷، ص ۱۰، چهارشنبه ۲ اردیبهشت ۱۳۷۱.
۱۰. بدون نام نویسنده، «پروین شاعره‌ای بیگانه با عشق»، رستاخیز، ش ۱۹۹، ص ۱۲-۱۳، یکشنبه ۴ دی ۱۳۵۶.
۱۱. بدون نام نویسنده، «چرا شعر پروین عاری از احساس‌های لطیف زنانه است؟»، رستاخیز، ش ۱۹۹، ص ۱۳، یکشنبه ۴ دی ۱۳۵۶.
۱۲. مصطفی بصیری تویسرکانی، «پروین شاعر یا ناظم؟»، جام جم، س ۲، ش ۴۴۲، ص ۵، ۸۰/۸/۲۱.
۱۳. سیمین بهبهانی، «پروین بانوی آرمگین شعر فارسی»، اطلاعات، ش ۱۴۳۵، ص ۲۱، پنجشنبه ۲۳ اسفند ۱۳۵۲.
۱۴. سیمین بهبهانی، «پروینی که من می‌شناسم»، رستاخیز، ش ۱۹۹، ص ۱۲، یکشنبه ۴ دی ۱۳۵۶.
۱۵. فرخ تمیمی، «پروین اعتصامی شاعرهای خالی از هوی»، بنیاد، ش ۷، ص ۲۲-۲۳، مهر ۱۳۵۶.
۱۶. فریده خالقی، «پروین از دیدگاه یک زن»، اطلاعات، ش ۱۴۰۸۳، ص ۱۵، پنجشنبه ۶ اردیبهشت ۱۳۵۲.
۱۷. سیمین دانشور، «پروین اعتصامی نوآور، زنانه و پاک»، کلک، ش ۶۷ ص ۷۹ - ۸۲، مهر ۱۳۷۳.
۱۸. عبدالملی دستغیب، «هدیه فکر و شعر»، زن روز، ش ۱۶۰۰، ص ۱۴-۱۵ و ص ۶۰-۶۳، شنبه ۲۳ فروردین ۱۳۷۶.
۱۹. مهدی رستگاری، «با پروین بر جاده‌های روشنی»، اطلاعات، ش ۱۹۳۱۶، ص ۶ پنجشنبه ۱۲ اردیبهشت ۱۳۷۰.
۲۰. قدم‌علی سرامی، «دزد اگر شب گرم یغما کردن است/ دزدی حکام، روز روشن است»، اطلاعات، ش ۱۴۰۸۳، ص ۱۵، پنجشنبه ۶ اردیبهشت ۱۳۵۲.
۲۱. علی سلطانی گرد فرامرزی، «شهر آندیشه‌های پروین»، نگین، س ۱۰، ش ۱۱۰، ص ۱۷-۲۳ و س ۱۰ (۱۳۵۳/۵/۳۱) ش ۱۱۱، ص ۲۵ - ۲۸، ۱۳۵۳/۴/۳۱.
۲۲. اردشیر طلوعی، «پروین، خاتون‌سرای شعر فارسی»، جام جم، س ۲، ش ۴۸۳، ص ۵، ۱۳۸۰/۱۰/۱۰.
۲۳. میرجلال‌الدین کزازی، «خاموشی پریها»، چپستا، ش ۸۵، ص ۵۲۶، بهمن ۱۳۷۰.
۲۴. گودرز (مجید) گودرزی، «آیین کبوتر»، اطلاعات، ش ۱۹۳۱۲، ص ۶ یکشنبه ۸ اردیبهشت ۱۳۷۰.
۲۵. کتابیون مزدایور، «پروین و شعر زنانه خوب»، زنان، س ۱، ش ۸، ص ۵۸ - ۶۲ آبان و آذر ۱۳۷۱.
۲۶. حبیب یغمایی، «تعجب می‌کنم چرا چنین نسبتی به پروین می‌دهند؟»، تماشا، س ۸، ش ۳۵۹، ص ۸، ۲۶ فروردین ۱۳۵۷.
۲۷. پروین امیرقاسم‌خانی، «هایه‌های زنانه در اشعار پروین»، یادمان پروین، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ص ۱۳۶، ۱۳۷۶.
۲۸. امیربانو کریمی، (امیری فیروزکوهی) «نقش پدر در حیات شاعری پروین»، یادمان پروین، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ص ۹۸ - ۱۰۵، ۱۳۷۶.
۲۹. میرجلال‌الدین کزازی، «پروین و دهخدا»، یادمان پروین، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ص ۱۰۶ - ۱۱۰، ۱۳۷۶.
۳۰. معین، مهدخت، «ای خوشا مستانه سر در پای دلبر داشتن»، یادمان پروین، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ص ۱۲۱-۱۲۴، ۱۳۷۶.

پی‌نوشت

- *. مریم خادم‌زغدی، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج.
- ** آتشی، منوچهر، ۱۳۵۹، ۳۶ - ۳۷.
- ** دیوان پروین اعتصامی، ص ۲۰۴.